

Gender justice in the Islamic utopia
(with emphasis on the Quranic view of the issue)

Seyyed Mohammad Rashidi Al Hashem¹ | Parviz Sabourikaz² | Javad Sabouri Kez³

Abstract

The issue of gender is one of the important categories of civilization that Islam has also paid attention to in the form of the concept of gender justice. Gender justice is a phenomenon that guarantees the growth and excellence of the individual, the foundation of the family and the health of society. The aim of this study was to study gender justice in the Islamic utopia from the perspective of the Holy Quran with a combined method (quantitative and qualitative). The statistical population of the study is all verses of the Quran (6236 verses). The collected data were analyzed using EXCEL and MAXQDA software. The results showed that according to the Quran, there is no difference between men and women in terms of their creation and nature, and men and women have the same rights and duties in different dimensions of sexual justice. The identified dimensions of gender justice in the verses of the Quran are: 1. Justice in the creation of man and woman, 2. Justice in property, 3. Justice in freedom of action, 4. Justice in the reciprocal rights of the spouse. Also, by counting the gender words, it was determined that 80 verses related to the male gender and 73 verses related to the female gender were mentioned. According to the Qur'an, the strategies for achieving gender justice in the Islamic utopia are: promoting spirituality in the family, good fellowship, consultation and consensus, honesty and trust, division of labor and cooperation, informal control.

Keywords: Islamic Utopia, Quran, Gender Justice, Men and Women, Family.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

5

Vol. 2
Spring 2023

Research Paper

Received:
26 February 2022

Accepted:
2 August 2023
P.P: 85-105



1. Assistant Professor, Faculty of Imam Hossein University, Tehran, Iran.

2. PhD, Sociology, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran.

3. Corresponding Author: Master's student in the field of culture and communication, Imam Sadegh University, Tehran, Iran. javadsabouri@yahoo.com

عدالت جنسیتی در آرمان‌شهر اسلامی (با تأکید بر نگاه قرآنی)

سیدمحمد رشیدی آل‌هاشم^۱ | پرویز صبوری کزج^۲ | جواد صبوری کزج^۳

سال دوم
بهار ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۰/۱۲/۰۷

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۳/۰۵

صص: ۱۰۵-۸۵



چکیده

بحث جنسیت از مقولات مهم تمدنی است که اسلام نیز در قالب مفهوم عدالت جنسیتی بدان توجه داشته است. عدالت جنسیتی پدیده‌ای است که رشد و تعالی فرد، بنیان خانواده و سلامت جامعه را تضمین می‌کند. این پژوهش با هدف مطالعه عدالت جنسیتی در آرمان‌شهر اسلامی، از منظر قرآن کریم با روش تلفیقی (کمی و کیفی) انجام شده است. جامعه آماری پژوهش کل آیات قرآن (۶۲۳۶ آیه) است. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار EXCEL و MAXQDA مورد بررسی و تحلیل واقع شد. نتایج یافته‌ها نشان داد، از منظر قرآن تفاوتی بین زن و مرد از لحاظ آفرینش و سرشت آنها وجود ندارد و زن و مرد در ابعاد مختلف عدالت جنسیتی حقوق و تکالیف یکسانی دارند. ابعاد شناسایی شده عدالت جنسیتی در آیات قرآن عبارت‌اند از:

۱. عدالت در آفرینش زن و مرد،
۲. عدالت در مالکیت،
۳. عدالت در آزادی عمل،
۴. عدالت در حقوق متقابل همسر.

همچنین با شمارش واژگان جنسیتی مشخص شد، ۸۰ آیه مربوط به جنس مرد در و ۷۳ آیه مربوط به جنس زن، آمده است. از منظر قرآن راهکارهای تحقق عدالت جنسیتی در آرمان‌شهر اسلامی عبارت‌اند از: ترویج معنویت در خانواده، حسن معاشرت، مشورت و همفکری، صداقت و اعتماد، تقسیم کار و تعاون، کنترل غیر رسمی.

کلیدواژه‌ها: آرمان‌شهر اسلامی، قرآن، عدالت جنسیتی، زن و مرد، خانواده

۱. استادیار، هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران.

۲. دکترا، جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، خلیخال، ایران.

۳. نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

نگاه به جنسیت مقوله پر اهمیتی در حوزه رویکرد تمدنی محسوب می‌گردد. به تعبیر دیگر هر تمدنی، ی‌ک رویکرد به خصوص در حیطه جنسیت داشته است. قرآن به عنوان یکی از منابع چهارگانه اسلامی (قرآن، سنت، اجماع و عقل) است و از این جهت نگاه قرآن به موضوعات می‌تواند ما را به رویکرد اسلامی و به تبع آن نگاه تمدنی و آرمان‌شهری بدان موضوع نزدیک کند. از این جهت این مقاله سعی دارد که بحث جنسیت را از منظر قرآن کریم و در قالب مفهوم «عدالت جنسیتی» پیگیری کند. مطالعه منظر قرآن کریم به مفهوم عدالت جنسیتی می‌تواند به عنوان یک راهنما و الگو برای آرمان‌شهر اسلامی در حیطه موضوع جنسیت و خانواده مطرح گردد.

خانواده تنها نهاد فطری، اجتماعی و جاودانه بشری است که رشد و تعالی فرد و سلامت اجتماعی جامعه را تضمین می‌کند. چنان‌چه، خانواده به عرصه کشاکش قدرت و سلطه تبدیل شود و بین اعضای آن عدالت‌طلبی، ایثار و همدلی نباشد، شاهد انواع آسیب‌های اجتماعی از جمله خشونت در خانواده، کالایی شدن زن، پدیده طلاق، خیانت، فرزندان نامشروع، فرار از خانه، ازدواج سفید و... خواهیم شد. فوکو معتقد است؛ «هرجا قدرت است، مقاومت هست» (ترنر، ۱۳۹۴: ۱۲۴) و هرجا مقاومت هست رابطه فرادستی و فرودستی، رقابت و حسادت در تعاملات نمود می‌یابد. خانواده پویا و بانشاط که قرآن از آن به «محل آرامش» انسان یاد می‌کند، زمانی می‌تواند کارکردهای اجتماعی و فردی خود را ایفاء نماید که تعاملات اجتماعی بین اعضاء مبتنی بر «عدالت» باشد. حضرت علی (علیه‌السلام) مهم‌ترین کارکرد عدالت را قرار دادن هر چیز در جای خود می‌داند «العدل یضع الامور مواضعها» (حکمت: ۴۳۷). یکی از ابعاد عدالت که نقش مهمی در پویایی و نقش‌آفرینی مؤثر در خانواده دارد، «عدالت جنسیتی» است.

پدیده نابرابری و تبعیض جنسیتی نشاط اجتماعی، حرمت فردی، ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (گئوس: ۲۰۱۲). به همین دلیل مجمع سازمان ملل، سال ۱۹۷۵ م. را سال جهانی «زن» و فاصله سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۷۵ را دهه «زن: برابری، توسعه و صلح» نامید.

کشور ایران بر روی کمر بند مردسالاری^۱ واقع شده و این امر نشان می‌دهد، به واسطه حاکمیت ایدئولوژی مردسالاری پدیده‌هایی مانند خشونت علیه زنان، میزان بالای نرخ طلاق، تبعیض در اشتغال، سواد، سطح درآمد، بهداشت روزبه‌روز بیشتر می‌شود. براساس گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، میانگین شاخص نابرابری جنسیتی^۳ (GII⁴) ۱۶۰ کشور جهان، در سال ۲۰۱۷م. (۰.۳۴۶) است، در این رتبه‌بندی ایران با نمره (۰.۴۶۱) در رده ۶۰ جهان قرار دارد.

مطالعات نشان می‌دهد، توجه به آموزه‌های دینی و نهادینه شدن تعالیم دینی در زندگی گروه‌ها و اجتماعات انسانی، نقش مهمی در حاکمیت عدالت و برابری جنسیتی دارد. کلین گورووا و هاولیک (۲۰۱۵)، در پژوهشی با عنوان «مذهب و نابرابری جنسیتی: وضعیت زنان در جوامع ادیان جهانی» تأثیر دینداری بر نابرابری جنسیتی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را مورد بررسی قرار دادند.

آنها دریافته‌اند؛ مناطقی که اکثریت ساکنان آن بدون وابستگی مذهبی هستند، سطح نابرابری جنسیتی پایین‌تر از جوامعی است که وابستگی مذهبی دارند. همچنین کشورهایی که مسیحی و بودایی هستند نسبت به کشورهای مسلمان و هندو از سطح نابرابری جنسیتی پایینی برخوردارند. اگرچه بحث جنسیت و عدالت جنسیتی در آموزه‌های سایر ادیان جهان مورد بحث قرار گرفته، ولی پرداختن به عدالت جنسیتی از منظر قرآن کریم از این حیث اهمیت دارد که قرآن آخرین کتاب آسمانی و معجزه آخرین پیامبر خداوند که ۲۳ درصد جمعیت جهان (مسلمانان) آموزه‌های این کتاب عظیم را مبنای عمل در زندگی خود قرار می‌دهند. قرآن با یادآوری رفتارهای تبعیض‌آمیز اعراب جاهلی بین جنس زن و مرد، اهمیت پرداختن به موضوع عدالت جنسیتی را خاطر نشان می‌سازد. قرآن با نکوهش اعراب جاهلی که عزت و افتخار را در داشتن پسر می‌دانستند و وقتی که صاحب دختر می‌شدند چهره‌شان برافروخته می‌شد^۵ (نحل: ۵۸). تا جایی که او را زنده به گور می‌کردند^۶

1. Patriarchal belt

۲. به حوزه جغرافیایی اشاره دارد که شامل شمال آفریقا، خاور میانه، جنوب آسیا و بخش‌هایی از مناطق روستایی در چین می‌شود.

۳. دامنه این شاخص بین ۰ (برابری زنان و مردان) تا ۱۰۰ (نابرابری زنان و مردان) قابل تغییر است.

4. Gender Inequality Index

۵. وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ

۶. وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ

(تکویر ۹-۸)، به پیامبر اسلام (صلوات‌الله‌علیه) به خاطر دختردار شدنش امر می‌کند که برای این [هدیه] برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن^۱ (کوثر: ۲-۱).

با توجه به مطالب بیان شده، این پژوهش درصدد است تا آنچه خداوند در قرآن کریم پیرامون عدالت جنسیتی در اختیارمان قرار داده مورد بررسی و تحلیل قرار داده تا به این سؤالات پاسخ داده شود که در آرمان‌شهر اسلامی نوع نگاه به مقوله عدالت جنسیتی چگونه است؟ عدالت جنسیتی از منظر قرآن کریم چگونه است؟ از دیدگاه قرآن، کدام ابعاد برای عدالت جنسیتی ارائه شده است؟ قرآن چه راهکارهایی را برای عملیاتی شدن عدالت جنسیتی در خانواده پیشنهاد می‌کند؟

پیشینه پژوهش

احمدزاده (۱۳۹۵)، پژوهشی که با عنوان «شاخص‌های کیفی عدالت از دیدگاه قرآن کریم» با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی انجام داد با استناد به آیات قرآن، چهار شاخص عدالت را مقوله‌بندی کرد که عبارتند از:

۱- عدالت فرهنگی، ۲- عدالت اجتماعی، ۳- عدالت اقتصادی، ۴- عدالت سیاسی.
شریفی و لطفی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم (ع)» که با روش کتابخانه‌ای انجام دادند نتیجه گرفتند: از منظر قرآن کریم و سنت پیشوایان معصوم (ع)، باورها و اعتقادات نقشی اساسی در خانواده دارند و ازدواج را امر مقدسی می‌داند و همگان را به این امر فرا خوانده است و به آن تشویق می‌نمایند و معیارهای تقوا، عقل، اخلاق نیک و همتایی در انتخاب همسر را مورد توجه قرار می‌دهند و مدیریت خانواده را به مرد و لزوم مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده نسبت به یکدیگر مخصوصاً مسئولیت تربیت دینی پدر نسبت به فرزندان و همکاری زن و شوهر در خانه را ضروری می‌دانند و تأکید به رفتار شایسته با همسران و محبت و مهرورزی نسبت به آنان می‌نمایند.

بروجردی علوی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «روابط خانوادگی از منظر قرآن» که با روش تحلیل محتوا انجام دادند نتیجه گرفتند: که علی‌رغم تأکید قرآن کریم بر اهمیت زندگی

۱. اَنَا أُعْطِيْنَاكَ الْكُوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ

خانوادگی، حمایت از زندگی مشترک، تربیت فرزند، انواع ارتباط و ... خداوند بین خود و انسان یک رابطه شخصی قائل است و خانواده و اموال همگی برای آزمایش انسان قرار داده شده است. نوآوری این مقاله در پرداخت به مفهوم عدالت جنسیتی از منظر قرآن کریم است، این در حالی است که سایر مطالعات و پژوهش‌های نزدیک به این زمینه به‌طور اختصاصی به مفهوم عدالت جنسیتی پرداخته‌اند. مقالات و پژوهش‌های صورت گرفته بر اساس روش‌های تحلیل محتوای کیفی و کتابخانه‌ای بوده‌اند اما روش این مقاله به‌صورت تلفیقی بوده و از این جهت نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

ادبیات و مبانی پژوهش

واژه‌شناسان «عدل» را به معنای برابری، همسانی، همانند و مساوات گرفته و گفته‌اند عدل و عدل در معنی نزدیک هم هستند، ولی عدل در چیزی است که تساوی آن با بصیرت درک شود و عدل در مورد چیزی است که تساوی آن با حس فهمیده شود. عدل، مساوات در جزاست (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۵۶۵). معنای عدالت و به تبع آن عدالت جنسیتی همواره مناقشه‌آمیز بوده و این مفهوم در طول تاریخ، قادر به طرح پرسش‌ها و ابهامات پایان‌ناپذیر بوده است؛ علامه جعفری درباره این معمای تاریخی می‌گوید:

«سؤال این است که ما می‌بینیم نوع بشر در جریان عبور از مراحل ساده به مراحل پیچیده‌تر، هراندازه که مسائل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و حقوقی، گسترده‌تر می‌شود، مسئله (جنسیت) زن و مرد از حالت مسئله بودن به معما بودن مبدل می‌گردد» (جعفری، ۱۳۸۵: ۲۴۴).

فمینیست‌های لیبرال مفهوم عدالت را مرادف با «برابری^۱ و تساوی» می‌دانند و عدالت جنسیتی یعنی برابری و تشابه زن و مرد در دسترسی به آنچه در جهان لذت‌بخش است. زنان برای بهره‌مندی از این لذت باید توانمند گردند (گنوس، ۲۰۱۲). فمینیست‌های رادیکال، دیدگاهی تندتر نسبت به لیبرال‌ها دارند و معتقدند: زن موجودی برتر از مرد است که برای رهایی خود از سلطه مردان راهی جزء پیکار ندارند (ابوت و کلر، ۱۳۹۵: ۳۵).

1. Equality

نظریه‌های ارائه شده در خصوص تبعیض علیه زن، با توجه به انسان‌شناسی هرکدام از جامعه‌شناسان و اندیشمندان اجتماعی متفاوت است.

پارسونز معتقد است؛ زنان بنا بر نقش بیولوژیک‌شان در تولید مثل، گزینه‌ای برای پرورش دیگران دارند و این گزینه، آن‌ها را برای ایفای نقشی «پراحساس» در خانواده‌ی هسته‌ای کاملاً شایسته می‌سازد. این نقش «پراحساس» مستلزم توجه و رسیدگی به نیازهای جسمی و روحی تمام اعضای خانواده به‌ویژه فرزندان تحت تکفل است. بیولوژی مردان، آن‌ها را برای ایفای نقشی ابزاری در خانواده مناسب می‌کند، نقشی که مستلزم تأمین نیازهای اقتصادی خانواده و پیوند دادن آن با جهان خارج است (گرت، ۱۳۸۰: ۱۷).

برخی نیز آموزش و تربیت را عامل تعیین‌کننده در تفاوت حقوق و تکالیف زن و مرد می‌دانند. جان استوارت میل؛ «تربیت» را مرجح بر «طبیعت» می‌داند و معتقد است؛ اخلاقیات و سنت‌های حاکم بر جامعه همواره نرم‌خویی و مطیع بودن زن را ترویج می‌کنند، خصلت‌هایی که به جزئی جدایی‌ناپذیر از جدایی جنسی زن تبدیل شده‌اند (میل، ۱۳۷۵: ۱۶).

از دهه ۱۹۷۰ گروهی که زیست‌شناسان اجتماعی مشهور شدند، از تأثیر ترکیب ژنتیکی در جنبه‌های اجتماعی انسان سخن گفتند. ویلسون و فاکس دستورالعمل‌های زیستی متفاوتی سخن گفتند که در جریان رشد تکاملی انسان‌های نخستین نهاده شده و سبب گشته است تا زنان با فرزندان‌شان پیوند عاطفی برقرار کنند و نرها به تسلط یافتن بر جنس ضعیف‌تر و در دست داشتن مواضع قدرت گرایش یابند (ریترز، ۱۳۸۳: ۴۷۱).

از سال‌های نخست دهه هفتاد، میل^۱ و اوکلی^۲ واژه‌های «جنس Sex و جنسیت Gender» را در کتاب «جنس، جنسیت و جامعه» برای نشان دادن تمایز میان تفاوت‌های طبیعی و فرهنگی به کار گرفتند. این تقسیم‌بندی نشان داد عامل تفاوت و تمایز مرد و زن صرفاً بیولوژیکی و روانی نیست، بلکه جنسیت آفریده اجتماعی و برآیند سنت‌های حاکم جامعه است. انسان‌ها به شکل افرادی مذکر و مؤنث متولد می‌شوند، اما به زنان و مردان مبدل می‌شوند. تبدیل شدن به یک زن به معنای پذیرش و اتخاذ هویت زنانه است که به نوبه خود، شالوده کنش‌های زنان را شکل می‌دهد (سیدمن، ۱۳۹۳: ۲۸۹). سیمون دو بووار^۳ از فمینیست‌های

1. Millet, Kate
2. An.Oakley
3. De Beauvoir .Simone

دوره دوم، با تأثیراتی که از سارتر گرفته معتقد است؛ «هیچ فردی زن زاده نمی‌شود، بلکه بعدها زن می‌شود». دویووار هیچ سرنوشت زیستی و روانی و اقتصادی، سیمایی را که ماده انسانی در دل جامعه به خود می‌گیرد تعریف نمی‌کند، مجموعه تمدن است که این محصول حدفاصل نر و اخته را که مونث خوانده می‌شود تولید می‌کند» (دویووار، ۱۳۸۵: ۳۳).

ابن رشد اندلسی فیلسوف قرن ششم، که تحت تأثیر اندیشه‌های افلاطون بوده بر این باور است که زنان از تمام استعداد‌های مردانه، از جمله رزم و فلسفه‌آموزی، البته در سطحی نازل‌تر، برخوردارند و می‌توانند در الگوی دولت شهر افلاطونی به حکومت هم برسند. او معتقد بود که تفاوت‌های فاحش زنان و مردان در علم، فهم و عمل چندان ناشی از ویژگی‌های طبیعی نیست و موقعیت فرودستی آنان برخاسته از ظلم تاریخی است (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۴۵).

باتوجه به مطالب مورد بحث و وجود اختلاف در دیدگاه جامعه‌شناسان، اندیشمندان اجتماعی و فمینیست‌ها نسبت به عدالت جنسیتی، این پژوهش درصدد است تا در آخرین کتاب آسمانی که نقشه راهی برای سعادت بشریت تا آخر تاریخ است، به مقوله عدالت جنسیتی و ابعاد آن پرداخته تا راهکارهای عملیاتی برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی که برآمده از ناعدالتی جنسیتی است، معرفی نماید.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش تلفیقی از روش کمی و کیفی است. ابتدا با روش تحلیل محتوا، کدهای عدالت جنسیتی با تکنیک مقوله‌ای به عنوان پیامی ارتباطی به صورت نظام‌دار، عینی و کمی مورد تحلیل قرار گرفته است. در ادامه به شیوه کیفی، هر کدام از مقوله‌ها با توجه به زمینه، مورد تحلیل واقع شده است. جامعه آماری پژوهش، ۱۱۴ سوره قرآن که دارای ۶۲۳۶ آیه و ۸۲۷۴۸ واژه، واحد تحلیل آیه‌های قرآن کریم است. برای بررسی داده‌های پژوهش از نرم‌افزار EXCEL و MAXQDA استفاده شده است. مبنای شمارش و تحلیل آیات قرآن کریم، کتابت عثمان طه و ترجمه فولادوند است.

یافته‌های پژوهش

با بررسی آیات قرآن کریم در مورد واژه‌هایی که مبین جنس مرد و زن بودند طبق جدول شماره (۱) مشخص شد که خداوند متعال در قرآن واژه‌های «رَجُل»، «رجال»، «بنین»، «ابناء» و «والد» را به ترتیب (۲۵-۲۷-۱۲-۱۴-۲) بار در آیات آورده است. همچنین واژه‌های «نساء»، «امرات»، «بنات»، و «والده» را به ترتیب در (۴۲-۱۵-۱۲-۴) آیه آمده است. همچنین واژه «والدین»، «والدیه»، «والدان» و «ابوه» ۱۹ بار آمده است.

جدول شماره (۱): تعداد آیات قرآن که واژگان جنس (زن و مرد) در آنها آمده است

واژه	تعداد آیه	شماره آیه
رَجُل	۲۵	غافر: ۲۸ / هود: ۷۸ / سبأ: ۴۳ / الاعراف: ۶۹ / الاعراف: ۷ / الاعراف: ۶۳ / الزخرف: ۳۱ / المومنون: ۳۸ / المومنون: ۲۵ / یس: ۲۰ / القصص: ۲۰ / القصص: ۱۵ / سبأ: ۷ / مائده: ۲۳ / نساء: ۱۲ / یونس: ۲ / نور: ۲۹ / بقره: ۲۸۹ / اسراء: ۴۷ / احزاب: ۴ / فرقان: ۸ / انعام: ۹ / نحل: ۷۶ / کهف: ۳۲ / کهف: ۳۷
رِجال	۲۷	جن: ۶ / توبه: ۱۰۸ / فتح: ۲۵ / نور: ۳۱ / نور: ۳۷ / الاعراف: ۴۶ / الاعراف: ۴۸ / الاعراف: ۸۱ / نساء: ۷ / نساء: ۱ / نساء: ۳۲ / نساء: ۷۵ / نساء: ۳۴ / نساء: ۳۴ / نساء: ۱۷۶ / بقره: ۲۲۸ / بقره: ۲۸۲ / بقره: ۲۳۹ / یوسف: ۱۰۹ / ص: ۶۲ / نحل: ۴۳ / حج: ۲۷ / نمل: ۵۵ / عنکبوت: ۲۹ / احزاب: ۲۳ / احزاب: ۴۰ / انبیاء: ۷
بنین	۱۲	آل عمران: ۱۴ / الاسراء: ۶ / الاسراء: ۴۰ / انعام: ۱۰۰ / مومنون: ۵۵ / صافات: ۱۵۳ / المدثر: ۱۳ / نوح: ۱۲ / شعراء: ۱۳۳ / قلم: ۱۴ / الزخرف: ۱۶ / نوح: ۱۲
ابناء	۱۴	بقره: ۴۹ / بقره: ۱۴۶ / غافر: ۲۵ / نور: ۳۱ / مائده: ۱۸ / آل عمران: ۶۱ / الاعراف: ۱۲۷ / الاعراف: ۱۴۱ / مجادله: ۲۲ / ابراهیم: ۶ / انعام: ۲۰ / قصص: ۴ / احزاب: ۴ / احزاب: ۵۵
والد	۲	لقمان: ۳۳ / بلد: ۳
نساء	۴۲	بقره: ۴۹ / بقره: ۲۲۲ / بقره: ۲۳۶ / بقره: ۲۳۵ / بقره: ۲۳۲ / بقره: ۲۳۱ / نساء: ۱ / نساء: ۱۱ / نساء: ۲۴ / نساء: ۳ / نساء: ۴ / نساء: ۷ / نساء: ۱۹ / نساء: ۲۲ / نساء: ۳۲ / نساء: ۴۳ / نساء: ۷۵ / نساء: ۳۴ / نساء: ۱۲۹ / نساء: ۲۳۲ / نساء: ۱۷۶ / نساء: ۱۲۷ / مائده: ۶ / احزاب: ۳۰ / احزاب: ۳۲ / احزاب: ۵۲ / احزاب: ۵۹ / آل عمران: ۱۴ / آل عمران: ۴۲ / آل عمران: ۶۱ / حجرات: ۱۱ / فتح: ۲۵ / الاعراف: ۱۲۷ / الاعراف: ۱۴۱ / الاعراف: ۸۱ / نور: ۳۱ / نور: ۶۰ / طلاق: ۱ / غافر: ۲۵ / قصص: ۴ / ابراهیم: ۶ / نمل: ۵۵

واژه	تعداد آیه	شماره آیه
امرات	۱۵	مسد: ۴/ هود: ۸۱/ هود: ۷۱/ الاعراف: ۸۳/ نمل: ۵۷/ الذریات: ۲۹/ الحجر: ۶۰/ عنکبوت: ۳۲/ عنکبوت: ۳۳/ مریم: ۵/ مریم: ۸/ بقره: ۲۸۲/ قصص: ۲۳/ آل عمران: ۴۰/ یوسف: ۲۱
بنات	۱۲	نساء: ۲۳/ احزاب: ۵۰/ احزاب: ۵۹/ نساء: ۲۳/ انعام: ۱۰۰/ الحجر: ۷۱/ هود: ۳۹/ هود: ۷۸/ هود: ۷۹/ صافات: ۱۴۹/ صافات: ۱۵۳/ نحل: ۵۷
والده	۴	بقره: ۲۳۳/ نساء: ۷/ نحل: ۱۹/ مریم: ۳۲
والدین / والدیه / والدان / ابواه	۱۹	بقره: ۸۳/ بقره: ۲۱۵/ بقره: ۱۸۰/ احقاف: ۱۵/ احقاف: ۱۷/ لقمان: ۱۴/ نساء: ۷/ نساء: ۳۶/ نساء: ۱۳۵/ نساء: ۳۳/ مائده: ۱۱۰/ نوح: ۲۸۰/ ابراهیم: ۴۱/ عنکبوت: ۸/ انعام: ۱۵۱/ الاسراء: ۲۳/ مریم: ۱۴/ کهف: ۸۰/ نساء: ۱۱

ابعاد عدالت جنسیتی از منظر قرآن

با مطالعه آیات شریف مشخص شد که خداوند متعال در ابعاد مختلفی به عدالت جنسیتی پرداخته است که در ادامه با آوردن شواهدی از آیات به آنها پرداخته می‌شود:

۱- عدالت زن و مرد در آفرینش

آنچه در تعیین هویت و نقش‌های زنان و مرد و حقوق و تکالیف آن‌ها نقش اساسی دارد؛ تعریفی است که از جنس (زن و مرد) و جنسیت (زنانگی و مردانگی) و خاستگاه تمایزات و تفاوت‌ها ارائه می‌شود. زیست‌شناسان اجتماعی، فمینیست‌های رادیکال، روانکاوان و برخی جامعه‌شناسان وجه تمایز جنس و جنسیت را در ویژگی‌های بیولوژیکی و جبری تعریف می‌کنند.

محتوای سوره نساء دعوت به عدالت است و ۳۵ آیه اول این سوره که به حقوق و تکالیف افراد خانواده می‌پردازد، در اولین آیه سوره نساء، هرگونه تبعیض جنسیتی در آفرینش انسان رد می‌کند و زن و مرد را از حیث حقیقت و جنس یک واقعیت بیان می‌کند «الذی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (نساء: ۱). منظور از «نفس واحد» یعنی انسان از حیث «حقیقت و جنس» یک واقعیت داشته و مضمون

آن از این حیث با آیه ۱۳ سوره حجرات متفاوت است که افراد انسان در سوره حجرات از نظر «حقیقت انسانیت» یکسانند (المیزان: ۲۱۵). با لحاظ همین آیه قرآن، سعدی می‌گوید:

بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش زیک گوهرند

خداوند در سوره حجرات نیز به بر هر گونه صفات ظاهری و ویژگی‌های طبیعی که که القاء کننده رتبه و منزلت باشد خط بطلان می‌کشد و تنها فضیلت و برتری را در داشتن «تقوی» بیان می‌کند. قرآن تفاوت در ظواهر جسمانی را نه برای تفاخر، بلکه شناسایی یکدیگر عنوان می‌نماید «لتعارفوا» خداوند زن و مرد را در دریافت پاداش «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ ... عَدَدَ اللَّهِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب: ۳۵). اعمال تنبیه «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ» (نور: ۲) و رشد و کمالات معنوی «وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَنَاتِ وَالْقَنَاتِ...» (احزاب: ۳۵) یکسان می‌بیند.

۲- عدالت زن و مرد در حق مالکیت

از حقوقی که خداوند در قرآن برای هر دو جنس (زن و مرد) به صورت عادلانه معرفی می‌کند، داشتن حق مالکیت بر دارایی و دسترنج خود، است. قرآن حق مالکیت و تسلط هر فرد بر دستاورد خود را در سوره نساء این چنین بیان می‌کند: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ» (نساء: ۳۲). با توجه به حدیث نبوی که می‌فرماید: «الناس مسلطون علی اموالهم» دلیل روشنی است که اسلام حق داشتن اختیار و سلطه بر جان و مال را که انسان (مرد و زن) خود به دست آورده است تأیید می‌نماید.

کاملاً مبرهن است که بخشش مال در صورتی که انسان مالک مال خود باشد تحقق می‌یابد. خداوند به زنان نیز همچون مردان حق مالکیت و بخشش مال قائل است و می‌فرماید: «وَالْمُتَّصِدِّقِينَ وَالْمُتَّصِدِّقَاتِ...» (احزاب: ۳۵)

۳- عدالت زن و مرد در حق آزادی

۱. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ. (حجرات: ۱۳)

۲. به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان،... خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.

۳. باید هر یک از زنان و مردان زنا کار را به صد تازیانه مجازات و تنبیه کنید.

۴. مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا،...

۵. مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند و زنان نیز از آنچه به دست می‌آورند نصیبی دارند (و نباید حقوق هیچ یک پایمال گردد).

داشتن حق اختیار و آزادی برای هر دو جنس (زن و مرد) در آیات شریف قرآن مورد تأکید است. به طوری که خداوند در سوره نجم همه دستاوردهای انسان را نتیجه سعی و تلاش می‌داند «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ» (نجم: ۳۹). که اگر آزادی عمل و اختیار در فرد نباشد نتیجه عمل بی ارزش است.

در سوره مدثر به روشنی حق برخورداری از آزادی و تعیین سرنوشت را برای همه انسان‌ها (زن و مرد) بیان می‌کند: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ» (مدثر: ۳۸) در تفسیر این آیه آمده است: «مراد از «رهن» گروگان است گویی تمام وجود انسان در گرو انجام وظایف و تکالیف او است» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰: ۲۹۵). خداوند در سوره نمل به حکومت زن در جامعه پرداخته و هوشمندی ملکه سباء را بر فرماندهان و بزرگان این سرزمین یاد آور می‌شود، هرچند پرنده هدده نیز بر حکومت زن بر جامعه دچار شگفتی می‌شود. «إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ...» (نمل: ۲۳).

در مقوله حجاب نیز که برخی آن را محدودیت برای زنان و سلب آزادی آنها قلمداد می‌کنند، خداوند در سوره احزاب فلسفه حجاب را شناخته شدن و تمایز دختران پیامبر (ص) و زنان مؤمنه از زنان غیر مؤمنه و جلوگیری از آزار به آنها موقعی که در جامعه حضور می‌یابند بیان می‌کند. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» (احزاب: ۵۹). در تفسیر این آیه آمده است: «منظور از شناخته شدن در این آیه، به زنان آزاد مسلمان دستور داده شد که حجاب اسلامی را کاملاً رعایت کنند تا از کنیزان شناخته شوند و بهانه‌ای برای مزاحمت به دست هرزگان ندهند. بدیهی است مفهوم این سخن آن نیست که او با حق داشتند مزاحم کنیزان شوند، بلکه منظور این است که بهانه را از دست افراد فاسد بگیرند» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷: ۳۹۹). لذا از این آیه برداشت می‌شود که زنان با حفظ حجاب شرعی مختارند در جامعه و در صحنه‌های سیاسی - اجتماعی حضور داشته باشند، به طوری که در تبلیغ و مجاهدت پیامبران و امامان همواره زنان نقش آفرین بوده‌اند. ساره و هاجر در کنار حضرت ابراهیم (ع)،

۱. بر آدمی جز نتیجه تلاش وی چیزی نیست.

۲. هر کسی در گرو دستاورد خویش است

۳. من [آنجا] زنی را یافتم که بر آنها سلطنت می‌کرد

۴. ای پیامبر به زنان و دختران و به زنان مؤمنان بگو پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند.

حضرت مریم در کنار حضرت عیسی (ع)، مادر موسی در کنار حضرت موسی (ع)، حضرت فاطمه (س) در کنار حضرت علی (ع) و حضرت زینب (س) در کنار حضرت امام حسین (ع) حضور داشته‌اند. همچنین خداوند در آیه ۲۶ سوره قصص آزادی بیان و حق ارائه پیشنهاد دختران را عنوان می‌کند که ارزش متعالی است « قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبْتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ^۱ »

۴- عدالت زن و شوهر در خانواده

از منظر قرآن، تحقق عدالت در خانواده و روابط بین زن و شوهر منوط به هم‌ترازی زن و شوهر در چهار نوع سرمایه (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و عاطفی) است.

عدالت در کانون خانواده کاملاً متفاوت از دیدگاه جامعه‌شناسان فایده‌گراست. خداوند به روابط زن و شوهر در خانواده اساساً نگاه نفع‌طلبانه و اقتصادی نداشته، بلکه تناسب فکری، عاطفی و اخلاقی را مبنای استحکام خانواده و روابط زن و شوهر بیان می‌کند: « هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ^۲ » (بقره: ۱۲۷). همچنان که لباس با بدن هم از لحاظ ظواهر (رنگ، اندازه، جنس) و هم از نظر نگهداشتن در برابر معایب و شخصیت بخشی به صاحبش باید متناسب باشد. همچنین در سوره نساء در خصوص برابری در سرمایه اقتصادی زوجین قبل از ازدواج می‌فرماید: « وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ^۳ ». نیز در سوره نور در مورد تناسب زنان پلید برای مردان پلید و زنان پاکدامن برای مردان پاک می‌فرماید: « الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ...^۴ » (نور: ۲۶). این آیه یک اصل کلی را مطرح می‌کند که در انتخاب همسر تناسب زن و مرد از لحاظ ایمان و پاکدامنی مورد تأکید است به عبارتی:

نوریان مرنوریان را طالبند

ناریان مرناریان را جاذبند

۱- یکی از آن دو [دختر] گفت ای پدر او را استخدام کن چرا که بهترین کسی است که استخدام می‌کنی هم نیرومند [و هم] در خور اعتماد است.

۲- زنان لباس شما (مردان) هستند و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگر).

۳- و هر کس از شما از نظر مالی نمی‌تواند زنان [آزاد] پاکدامن با ایمان را به همسری [خود] درآورد پس با دختران جوانسال با ایمان شما که مالک آنان هستید [ازدواج کند] و خدا به ایمان شما داناتر است.

۴- زنان پلید برای مردان پلیدند و مردان پلید برای زنان پلید و زنان پاک برای مردان پاکند و مردان پاک برای زنان پاک اینان از آنچه در باره ایشان می‌گویند برکنارند برای آنان آموزش و روزی نیکو خواهد بود.

(مولوی، ۱۳۸۹: دفتر دوم: ۲۹)

قرآن کریم با معرفی دو اصل اساسی در ارتباط زن و شوهر، راهکار بی بدیلی را برای استحکام خانواده‌ها معرفی می‌کند، این دو اصل عبارت‌اند از ۱- مودت، ۲- رحمت. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ^۱» (روم: ۲۱). صداقت، اعتماد و کفو هم بودن از مؤلفه‌هایی است که در این آیه با برقراری عدالت جنسیتی ارتباط دارد. لذا می‌توان گفت اگر کشش قلبی و مودت در ارتباط بین زن و شوهر حاکم باشد، سودجویی و چشمداشت مادی در خانواده رنگ می‌بازد.

با این نگاه می‌توان گفت: هدف خداوند در بحث صداقت صرفاً افزایش صمیمیت در کانون خانواده و توجه به شأن زن می‌باشد. خداوند در سوره نساء می‌فرماید: «وَأْتُوا النِّسَاءَ صِدْقَاتِهِنَّ نِحْلَهُ فَإِنْ طَبِنَ لَكُمْ مِنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا^۲» (نساء: ۴) صدقه، عطیه و بخششی از شوهر به زن است که نشان دهنده صداقت و ایمان است، بنابراین نمی‌توان آن را یک قرارداد مالی صرف پنداشت. از این منظر می‌توان آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ^۳» (نساء: ۳۴) را بهتر بررسی کرد. برخی از مفسران، منظور از قوامیت را فقط در خانواده و ارتباط زوجیت می‌دانند که آن نیز معلول نفقه مرد به زن است؛ بنابراین مرد در قبال زنی که همسرش نیست قوامیت ندارد؛ زیرا هزینه زندگی اش را نمی‌پردازد (علایی رحمانی، ۱۳۸۳: ۴۸). از نظر حبری، ترجمه کردن واژه «قوامون» بسیار دشوار است و ترجمه آن به محافظ، سرپرست و حامی ترجمه دقیقی نیست؛ زیرا به نوعی ضعف جسمی و عقلی زن را تداعی می‌کند و با دیگر آموزه‌های اسلامی سازگار نیست. آیه فقط به طور خاص برخی مردان را بر برخی زنان به دلیل هزینه و پولی که می‌پردازند قوام تلقی کرده است؛ بنابراین قرآن آشکارا مردان را در برابر زنان قوامون تلقی نکرده است. جالب است که در آیه حتی گفته نشده که برخی مردان ذاتاً و فطرتاً بر

۱- و از نشانه‌های او اینکه از [نوح] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است.

۲- و مهر زنان را به عنوان هدیه‌ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند آن را حلال و گوارا بخورید.

۳- مردان سرپرست زنانند به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند.

برخی زنان برتری دارند؛ بلکه فقط اظهار داشته که در موارد خاص برخی مردان بهتر از برخی زنانند (پارسا، ۱۳۹۴: ۵۸).

اما با توجه به روح کلی قرآن که فضیلت را در تقوی و پاکدامنی معرفی نموده، می‌توان گفت اگر قوامیت فضیلت مردانه باشد صرفاً در خانواده است و دوم اینکه اگر مختص خانواده لحاظ شود، جایی که رحمت و مودت و عاطفه و اخلاق جاری باشد، سرپرستی مرادف با سلطه و ریاست نمی‌تواند باشد، چون در آن صورت فلسفه تشکیل خانواده که رسیدن به آرامش واقعی بوده به هم می‌ریزد. لذا با توجه به تفسیر برخی مفسران (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۰: ۲۱) از این آیه هیچگونه تحقیر و نقش دومی از زن استنباط و از کرامت انسانی زن کاسته نمی‌شود و اینکه طبق این آیه، زن حق حضور در جامعه را نداشته باشد افتراء به خداست.

نتیجه‌گیری و ارائه راهکار

۱- بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش جایگاه عدالت جنسیتی در آرمان‌شهر اسلامی و با رویکرد قرآنی مورد مطالعه و توجه قرار گرفته است. همان‌طور که اشاره شد قرآن کریم به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع اسلامی است. با کشف و مطالعه مفهوم عدالت جنسیتی در قرآن کریم می‌توان گام بزرگی در جهت رویکرد اسلامی به موضوع جنسیت و آرمان‌شهر اسلامی برداشت.

در زبان عربی نقش واژه‌ها و کلمات در جمله با ضمیر مذکر و مؤنث و با علامت‌های خاصی بیان می‌شود و این نوع ساختار در آموزه‌های قرآن نیز مؤثر است. هرچند خداوند با نشانه‌های مذکر آمده اما به معنای این نیست که خداوند، مذکر است بلکه خداوند فراجنسیتی و توصیف‌ناشدنی است. از نگاه قرآن، مرد و زن از لحاظ ظاهری و بیولوژیکی متفاوتند، اما به لحاظ منشاء و هدف خلقت یکسانند و هر دو از یک سرشت واحد آفریده شده‌اند. به‌طوری‌که مولانا در مثنوی با توسل به آیه ۱ سوره نساء به زیبایی این نکته را بیان می‌کند:

لیک از تأنیث جان را باک نیست	روح را با مرد و زن اشراک نیست
از مؤنث وز مذکر برتر است	این نه آن جان است کز خشک و تر است

(مولوی، ۱۳۸۹، دفتر اول: ۱۹۸۷-۱۹۸۶)

قرآن؛ الگوهای ارزشی را هم از جنس زن و هم از جنس مرد مثال می‌آورد، مریم، آسیه، نوح و لوط را، نمونه‌ای از انسان‌های مؤمن و متقی معرفی می‌کند و از طرفی زنان لوط و نوح، و مردانی چون فرعون و هامان نمونه‌هایی از انسان‌های خائن، متکبر و برتری جوی می‌داند.

از نظر قرآن عدالت ارزشی پذیرفته شده است و با برابری و یکسانی متفاوت است. عدالت، آن است که به هر کس بر اساس استحقاقش بدهند، گرچه موجب تفاوت شود، زیرا تفاوت گذاشتن بر اساس لیاقت‌ها و کمالات حق است. خداوند فلسفه تفاوت بین انسان‌ها را تقسیم کار، تعاون و رسیدن به انسجام اجتماعی مطلوب‌تر بیان می‌کند نه فخر فروشی، استثمار و سلطه بر دیگران. «نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا» (الزخرف: ۳۲).

دورکیم^۲ از نظریه پردازان جامعه‌شناسی در کتاب «تقسیم کار اجتماعی» با تقسیم‌بندی جوامع به مکانیکی و ارگانیکی بیان می‌کند که عامل مهم تمایز این دو نوع جوامع «ناهماندی و تخصصی شدن کارهاست». زن و مرد به این دلیل باشور تمام جویای یکدیگرند که باهم تفاوت دارند. در واقع مرد و زن به صورت جدا از هم، جزء بخش‌های متفاوت یک کل واقعی نیستند که با اتحاد آنها دوباره شکل می‌گیرد. به عبارتی سرچشمه همبستگی زناشویی در تقسیم کار جنسی است... زن در ادوار گذشته دور، به هیچ وجه آن موجود ضعیفی نیست اما تمدن و پیشرفت باعث تضعیف زن شده است. اگر پیوندهای میان دو همسر متعدد و پیچیده باشد، قواعد مادرسالاری گسترده‌تر می‌شود. وضع ازدواج در جوامعی که دو جنس در آن به شکل از هم تمایز نیافته‌اند، خود شاهدی برای سست شدن همبستگی زناشویی است (دورکیم، ۱۳۹۶: ۶۰-۵۷).

با مقایسه آمار واژگان هر دو جنس معلوم می‌شود واژه‌های تداعی‌کننده مرد بیش از زن آمده است و این یافته کاملاً با نظریه‌های علم جمعیت‌شناسی مبنی بر تعداد بیشتر مردان به زنان در جهان قرابت و هم‌سوئی دارد.

۱. ما معیشت آنها را در حیات دنیا در میان آنان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را تسخیر و با هم تعاون کنند.

2. David Émile Durkheim

با بررسی آیات قرآن، خداوند متعال عدالت جنسیتی را در ابعاد مختلف بیان نموده است. اولین بعد عدالت جنسیتی که در این نوشته به آن پرداخته شد، بعد عدالت زن و مرد در آفرینش است. خداوند در قرآن سرشت انسان‌ها را چه زن و چه مرد از یک طینت می‌داند و هیچ‌گونه نظر تحقیرآمیزی با توجه به آیه اول سوره نساء به زن در آفرینش ندارد.

زیست‌شناسان اجتماعی و برخی از روانکاوان چون فروید و جامعه‌شناسانی مانند پارسونز که معتقدند جنسیت فرآیندی بیولوژیکی است و تحت ستم بودن زنان و انقیاد آنها ریشه بیولوژیکی داشته، یافته‌های پژوهش حاضر با این نظریه‌ها هم‌سو نبوده اما با دیدگاه استوارت میل و نظریه فمینیست‌ها مبنی بر اینکه ویژگی‌های روانی و بیولوژیکی دلیلی بر فرودستی زنان نیست، هم‌سو است. بعد دیگری که از آیات کلام‌الله مجید استنباط شد، حق مالکیت و داشتن استقلال مالی هر دو جنس است. پرداخت نفقه و مخارج خانواده از وظایف مرد است و زن به همه اموالش اختیار تام دارد. خداوند در آیه ۳۴ سوره نساء به روشنی حق اختیار و سلطه زن بر مال خود را بیان می‌کند. این یافته با نظریه شهید مطهری «کار زن از نظر اسلام متعلق به خود اوست» (مطهری، ۱۳۹۵: ۵۲) همسویی دارد.

خداوند متعال در قرآن حق داشتن آزادی عمل و آزادی بیان زنان را مورد توجه قرار داده است. آزادی بیان برای دختران از ارزش‌هایی است که در سوره قصص به آن تأکید شده است. «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ» (قصص: ۲۶) ملکه سبأ نیز نمونه‌ای از زنانی است که خداوند با یادآوری آن خاطر نشان می‌سازد که مدیریت هوشمندانه جامعه زنانگی و مردانگی نمی‌شناسد بلکه هر کس توان درایت داشته باشد، می‌تواند مدیریت جامعه را برعهده بگیرد.

بعد اساسی دیگر، حقوق متقابل زن و شوهر در خانواده است. خانواده از منظر قرآن بنیان سلامت جامعه و عامل رشد و تعالی و انسان‌هاست. از نگاه قرآن، ساختار درونی خانواده و روابط اعضای آن نه بر پایه سلسله مراتب قدرت، بلکه بر اساس حاکمیت قانون کلی مودت و رحمت تعیین می‌شود. قرآن تحقق عدالت در خانواده را منوط به تحقق سرمایه عاطفی می‌داند. مهریه (صداق) نمادی از صداقت و جلوه‌ای از اعتماد بین زوجین است. مهریه نشانه‌ای از ایمان و باور متقابل زن و شوهر است که بر مرد واجب است آن را بپردازد. اما در زمان حاضر مهریه به عنوان ضمانت مالی در پیش زن است که هر موقع عرصه بر زن تنگ آمد شوهر را در مخمصه قرار دهد. لذا می‌توان گفت اگر روابط زن و شوهر بر پایه عاطفه بنا شود، تربیت نسلی را شاهد خواهیم بود که به معنای واقعی انسانی خواهد

بود با داشتن ویژگی‌هایی از همدلی و همدردی نه موجودی حریص برای رسیدن به قدرت و سلطه بر هم نوع خویش.

نکته دیگری که قرآن بر آن تأکید دارد، همانندی زن و شوهر از لحاظ فکری، اقتصادی و اجتماعی است. اگر سرمایه‌بوردیو را به عاریت بگیریم، می‌توان گفت: قرآن با تشبیه همانندی زوجین به لباس، برقراری عدالت در خانواده را منوط به صمیمت و درک متقابل زوجین از همدیگر می‌داند، این پدیده اجتماعی زمانی تحقق می‌یابد که زوجین به لحاظ سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و عاطفی کفو هم باشند.

قرآن در بحث حجاب و پوشش زنان سرچشمه بسیاری از آسیب‌ها از جمله هوس بازی و آزار زنان و دختران را به نوع لباس پوشیدن آنان متوجه می‌سازد. از نظر قرآن لباس باعث تشخص است که زنان با رعایت آن اولاً در جامعه بدون مزاحمت حضور می‌یابند دوم اینکه لباس باعث معرفی جایگاه اجتماعی و اقتصادی فرد می‌شود «یعرفن فلا یؤذین» (احزاب: ۵۹) که این تعبیر همسو با نظریه «تمایز» بوردیو است با این تفاوت که تمایز بوردیو با هدف تشخص‌کنشگر برای نشان دادن جایگاه خود در نظام قشربندی اجتماعی بوده اما از دیدگاه قرآن تمایز زنان از همدیگر نه برای تفاخر، بلکه شناخته شدن افراد متین و پاکدامن از زنان هوس باز، جهت حضور مؤثر در جامعه است.

۲- راهکارهای تحقق عدالت جنسیتی از نگاه قرآن در راستای تحقق آرمان شهر اسلامی

خداوند متعال برای صیانت و استحکام خانواده و رعایت عدالت در روابط بین اعضای آن، راهکارهای زیر را بیان می‌نماید:

۲-۱- ترویج معنویت در خانواده

از منظر قرآن خانواده مهم‌ترین نهادی است که حفظ حرمت و حریم آن مورد تأکید قرار گرفته است و وارد شدن به این حریم مبتنی بر آداب خاص خود است «فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً» (نور: ۶۱) خداوند در اولین آیه سوره نساء بنیان و سنگ بنای این نهاد ارزشمند جامعه را

۱. پس چون به خانه‌هایی [که گفته شد] درآمدید به یکدیگر سلام کنید.

بر تقوی نهاده و مراعات آن را بر همه انسان‌ها ضروری می‌داند. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا...» (نساء: ۱) وقتی اعضای خانواده در تمام کارها حضور خدا را دیدند، جزء عدالت پیشگی طریق دیگری را نمی‌گیرد.

۲-۲- حسن معاشرت

خداوند رفتارهای پسندیده و مبتنی بر حسن خلق را با اصطلاح «حسن معاشرت» بیان می‌کند و می‌فرماید: «... وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا...» (نساء: ۵) «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...» (نساء: ۲۱) انسان در معاشرت احسن، جزء طلب محبت و محبت ورزیدن هدفی ندارد. محبت، هدیه‌ای الهی است که با مال و مقام و زیبایی به دست نمی‌آید. همسر از نظر قرآن باید عامل آرامش باشد نه موجب ترس و سلطه‌گری. «... لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلْ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً...» (روم: ۲۱). بنابراین امکان حاکمیت عدالت در خانه‌ای است که در آن مؤلفه آرامش برقرار باشد.

۲-۳- مشورت و همفکری

آنچه در جامعه کنونی مورد تهدید خانواده‌هاست کمبود تفاهم و درک متقابل است. مشورت و همفکری کردن باعث ایجاد تفاهم بین کنشگران درون خانواده خواهد بود. از نظر قرآن مؤلفه مشورت تا جایی ارزشمند است که حتی در صورت جدایی زن و شوهر، خداوند متعال آنها را به مشورت و همفکری فرامی‌خواند. «...وَأْتِمُرُوا بِبَيْنِكُمْ بِالْمَعْرُوفِ...» (طلاق: ۶) «اتَّمِرُوا» از «ایتمار» به معنای پذیرش دستور یا مشورت است که در واقع به معنای توافق و تفاهم بر انجام امری است (قرآنی، ج ۱۰: ۱۱۰).

۲-۴- صداقت و اعتماد

اسلام دینی مبتنی بر فطرت است و صداقت و اعتماد از بزرگ‌ترین سرمایه‌های اجتماعی است که در قرآن به آن سفارش شده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ». فلسفه «صداق» که قرآن به آن سفارش نموده نشانه صداقت در ازدواج است که در عصر حاضر به تضمین مالی بدل شده است. یکی از برکات صداقت و اعتماد در هر

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و با راست‌گویان باشید.

رابطه‌ای، برقراری عدالت و دوری از برتری جویی است... «وَقُلْ رَبِّ ادْخُلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَّ اَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ...» (اسراء: ۸۰).

۵-۲- تعاون و تقسیم کار

تعاون و همکاری از ارزش‌هایی است که خداوند با صیغه امر به آن اشاره نموده است. «...وَتَعَاوَنُوا عَلٰى الْبِرِّ وَالتَّقْوٰى...» (مائده: ۲). از نظر قرآن جامعه‌ای سالم و پایدار است که در آن تقسیم کار و اصل تعاون، رعایت شده باشد. «لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ سُدْرًا». (زخرف: ۳۲) حتی در سنت پیامبر (صلوات‌الله‌وعليه) نیز رعایت تعاون در خانواده آمده است: «روزی رسول اکرم (صلوات‌الله‌وعليه) وارد منزل امیر مؤمنان (علیه‌السلام) شد. او و حضرت زهرا (سلام‌الله‌عليها) مشغول آسیاب کردن غله هستند، پرسید: کدام یک از شما خسته است؟ حضرت علی (علیه‌السلام) پاسخ داد: ای پیامبر! فاطمه خسته است. حضرت به او فرمود: دخترم! برخیز. او برخاست و پیامبر (صلوات‌الله‌وعليه) به جای او به آسیاب کردن پرداخت» (مجلسی، ج ۴۳: ۵۰).

۶-۲- کنترل غیررسمی

دوستی‌ها و ارتباطات پیش از ازدواج که معمولاً بدون اطلاع خانواده‌های دختر و پسر صورت می‌گیرد یکی از دلایل بروز اختلاف بین زن و شوهر در خانواده‌های امروزی است. کنترل غیر رسمی که در مقابل کنترل رسمی مبتنی بر اجبار و الزام قانون، برای رعایت هنجارهای اجتماعی از ابزارهای غیررسمی مانند ترس از طرد شدن توسط خویشان و سرزنش توسط آنها استفاده می‌شود. قرآن سفارش می‌کند با اجازه خانواده شان ازدواج صورت گیرد... «فَانْكُحُوهُنَّ بِاِذْنِ اَهْلِهِنَّ...» (نساء: ۲۵). حتی بعد از ازدواج وقتی بین زوجین اختلافی صورت گرفت قرآن دادگاه خویشاوندی و غیر رسمی را سفارش می‌کند که با دخالت بزرگ‌ترها اختلافات پایان پذیرد: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ اَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ اَهْلِهَا اِنْ يُرِيْدَا اِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللّٰهُ بَيْنَهُمَا اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيْمًا خَبِيْرًا» (نساء: ۳۵).

۱. و بگو: پروردگارا! مرا با ورودی نیکو و صادقانه وارد (کارها) کن و با خروجی نیکو بیرون آر

۲. پس آنان را با اجازه خانواده‌شان به همسری [خود] درآورید.

۳. و اگر از جدایی میان آن دو [زن و شوهر] بیم دارید پس داوری از خانواده آن [شوهر] و داوری از خانواده آن [زن] تعیین

کنید اگر سر سازگاری دارند خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد آری خدا دانای آگاه است.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- آبوت، پالما وکلر، والاس (۱۳۸۰)، درآمدی بر جامعه‌شناسی زنان، ترجمه نجم عراقی، تهران: نی.
- احمدزاده، سیدمصطفی (۱۳۹۵)، شاخص‌های کیفی عدالت از دیدگاه قرآن کریم، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، سال ۲۱، شماره ۴، پیاپی، ۸۱، زمستان، صص ۵۵-۳۰.
- استونز، راب (۱۳۷۹)، متفکران جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
- بروجردی، علوی، مهدخت، اشرفی، عباس، رزمیان، راضیه (۱۳۹۳)، روابط خانوادگی از منظر قرآن، فصلنامه دانشگاه علامه طباطبایی، دوره ۱، شماره ۱، بهار، صص ۷۰-۵۱.
- ترنر، اچ، جاناتان (۱۳۹۴)، نظریه‌های نوین جامعه‌شناختی، ترجمه علی اصغر مقدس و مریم سرروش، تهران: جامعه‌شناسان.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۸۵)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، جلد سوم، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۸۹)، مثنوی معنوی مولانا، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- دوبووار، سیمون (۱۳۸۰) جنس دوم، ترجمه قاسم صنعودی، ج اول و دوم، تهران: نشر توس.
- دورکیم، امیل (۱۳۹۶)، درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه: باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۳۸۳)، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه سید غلامرضا خسروی حسینی، تهران: انتشارات مرتضوی، جلد دوم.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۳)، نظریه جامعه‌شناسی مدرن، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشرنی.
- زیبایی نژاد، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۵) مجموعه مقالات هویت و نقش‌های جنسیتی، تهران: مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۰)، مکانت زن در قرآن، قم: پژوهش‌های قرآنی.
- سیدمن، استیون (۱۳۹۳)، کشاکش آراء در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشرنی.
- شریفی، عبدالله، لطفی، مهرعلی (۱۳۹۲)، سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم(ع)، فصلنامه معارف قرآنی، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۱۰۰-۸۱.
- علایی رحمانی، فاطمه (۱۳۸۳)، حضانت کودکان از نگاه فقه و حقوق، فصلنامه علوم انسانی، شماره ۴۱، بهار، صص ۲۴۶-۲۲۳.
- قزائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- گرت، استفان (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی جنسیت، ترجمه: کتابون بقایی، تهران: نشر دیگر.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۲)، بحارالانوار، مصحح: علی اکبر عابدی زنجانی، قم: مؤسسه الوفاء.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۵)، مجموعه آثار، ج ۲۱، قم: انتشارات صدرا.

میل، جان استوارت (۱۳۷۵)، فایده گرایی، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: نشر نی.

Gheaus. Anca,(2012), Gender Justice, Journal of ethics & Social Philosophy, vol. 6, No.2

Klingorova .Kamila & Havlicek Tomas,(2015), Religion and gender inequality: The status of women in the societies of world religions , Moravian Geographical Reports, vol. 23, No. 2

